

اوقات فراغت
وضعیت نارنجی،
خطر!

با سلام خدمت همهٔ دوستان عزیز. امیدواریم
تایبستانان به همان خوبی که انتظارش را
می‌کشیدید باشد. گرچه معمولاً این‌طور نیست و
اواسط تابستون انسان از اینکه نه‌ماه انتظار این
روزهای کسل‌کننده را می‌کشیده‌اش
می‌گیرد. بگذریم!

در این شماره قصد داریم درباره یکی از مسائل فقهی که در اوقات فراغت بیشتر با آن درگیر هستیم صحبت کنیم، ولی پیش از آن، به یک مسئله ضروری اشاره می‌کنیم:

متأسفانه در مدتی کوتاه دو تن از مراجع بزرگ شیعه از دنیا رفتند. آیت‌الله العظمی تبریزی و آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی، اما جدای از خسارت غیرقابل جبران از دست دادن این بزرگان، تکلیف مقلدان این مراجع چیست؟

یکی از ویژگی‌ها و امتیازات فقه شیعه بویابی و به‌روز بودن اجتهاد و مرجعیت آن است. م‌طوری که از شرایط اصلی امکان تقلید از یک مرجع، زنده‌بودن و سلامت کامل حواس و عقل اوست. به‌همین دلیل پس از وفات یک مرجع، دیگر نظرات و فتاوی‌ او برای مکلفان حجت نیست؛ یعنی دلیل شرعی به‌حساب نمی‌آید و دیگر کسی نمی‌تواند مقلد ایشان شود؛ حتی کسانی که تاکنون مقلد ایشان بوده‌اند لازم است با تحقیق، به یک مرجع زنده که دارای شرایط لازم بوده و اصطلاحاً «اعلم» است رجوع کنند و مقلد او شوند، ولی می‌توانند با اجازه مرجع جدیدشان همچون گذشته به نظرات مرجع پیشین خود عمل کنند، که به این عمل «بقاء بر بیت» گفته می‌شود.

در این صورت فرد دو مرجع دارد مرجع اصلی که همان مرجع زنده است و در مسائل جدید و به قول معروف «مستحدثه» به او رجوع می کند و مرجع دوم که از دنیا رفته است.

اوقات فراغت، Hello Party و باقی
قضایا...

درباره مسئله اوقات فراغت - که امپدوریم در حد فراغت کامل باقی نماند و با استغالات مفید علمی، هنری، ورزشی و غیره پر شود - یک خطر مهم خودنمایی می‌کند و آن هم به‌قول نیروهای امنیتی قرار گرفتن در «وضعیت نارنجی» است؛ یعنی وضعیت هشدار!

حتما می‌پرسید این آسمان ریسمان چیست که به هم می‌بافیم! عجله نکنید، قدری صبر داشته باشید!

حتماً قبول دارید که تابستان بهترین فرصت برای جمع‌های دوستانه است. از گشت‌وگذار در کوه و صحرا گرفته تا رفتن به باشگاه و استادیوم و مجالس شبانه و بعضاً نیمه‌شبانه! اعم از هیئت و دعای توسل، تا مجالس Goodby Party و Hello party برادران و خواهران سانتال‌مانتال خلاصه برنامه‌هایی که اگر در طول سال کم اتفاق می‌افتد، در این ایام فتنه‌فراوان است! و حتماً قبول دارید که وقتی ۱۵-۱۰ تا جوان مجرد کپسول انرژی دور هم جمع شوند، فضا چقدر مستند بعضی اتفاقات پیش‌بینی نشده است. این شرایط همان است که نامش را وضعیت نارنجی می‌گذاریم. البته رویمان به دیوار، دور از جناب فکر بدی درباره‌ی دوستان نداریم و به قول قدیمی خدا از سر تقصیر آمان نگذرد، اگر فکر ناجوری درباره‌ی شما کرده باشیم، اما چه کنیم که بدزمانه‌ای شده، آدم چشم باز می‌کند می‌بیند در جمعی قرار گرفته که بساط پاسور، تخته‌نرد و... پهن شده یا عروسی پسرعموی عزیزش که تا دیروز جواب سلام آدم را بدون «ورحمه‌الله» نمی‌داده، می‌رود می‌بیند حال و هوای کشور همسایه، ترکیه حکم فرمات! و خلاصه خواهیم و نخواهیم گرفتار این شرایط هستیم، حال در این وضعیت تکلیف انسان چیست؟

اگر بخواهیم صاف و ساده‌تر صورت مسئله را بیان کنیم، مسئله حضور در جمعی است که به نحوی در آن گناه و معصیت خداوند انجام می‌شود، یا به تعبیر فقهی حضور در مجلس گناه و جلسه حرام.

البته روشن باشد که بحث ما در جایی است که خود انسان مشغول گناه و یا ترتیب‌دهنده جمع نباشد، بلکه ناخواسته در مجلس گناه قرار گرفته است؛ در این شرایط وظیفه‌اش چیست؟

شاید بگویید: چغتای ما که مأمور دین داری دیگران نیستیم، به قول معروف هر کسی را در گور خودش می‌گذارند. ما هم که مشغول گناه نیستیم، گفتن هم که اثر ندارد، پس همان بهتر که گیر ندهیم و بی خیالی طی کنیم! اما در حقیقت قضیه به این سادگی‌ها هم نیست! و صورت‌های متفاوتی دارد.

وقتی در معرض گناه هستیم، چه کنیم؟

در بسیاری از موارد با اینکه خود انسان مسئول کاری نیست و حکم تماشایی را دارد، خواسته یا ناخواسته به گناه آلوده می‌شود؛ مانند مجلس رقص و پایکوبی، که اهل بخیه می‌دانند دیگر در این دوره و زمانه، حکایت رقص چوب و



چون «نرود میخ آهنین در سنگ» چه کنیم؟

اما آخرین فرض ممکن اینکه اصلاً بحث تأیید نیست و همه از قیافه ناراحت و سگرمه‌های درهم‌رفته ما و یا از تذکرات مکرر ما فهمیده‌اند که این کار حرام است و ما راضی به انجام آن نیستیم، اما از باب «نرود میخ آهنین در سنگ» تذکر ما اثری نداشت و یا با توجیهات رایج که «یک‌شب هزارشب نمی‌شود»؛ «جلو جیون‌ها را نمی‌شود گرفت» و... جواب ما داده شد. حال آیا می‌شود در جمع بمانیم یا خیر؟ درباره این شرایط بعضی موارد مشخص وجود دارد که حتی در این شرایط هم حضور ما را حرام می‌کند؛ مانند مجلس شراب یا سفره‌ای که در آن مشروب سرو می‌شود، که به هیچ‌وجه نباید در آن حضور داشت. درباره بعضی مجالس قمار هم ظاهراً برخی از فقها همین نظر را دارند و نگاه به بازی دیگران را جایز نمی‌دانند، گرچه در بعضی از رساله‌ها به‌صورت مطلق گفته شده است «حضور در مجلس گناه جایز نیست»، ولی ظاهراً این نظر در مورد مجلس گناهی است که حضور در آن به نوعی تأیید و پذیرش انجام گناه است. در هر صورت واضح است که این شرایط، خیلی خطرناک است و نباید به‌راحتی آن را جایز دانست!

اصلاً مجلس گناه یعنی چه؟

نکته آخری که یادآوری آن در این مسئله ضروری به‌نظر می‌رسد، مصادیق مجلس گناه است.

چون وقتی می‌گوییم مجلس گناه، بعضی‌ها فکر می‌کنند باید بساطی پهن باشد و جمعیتی انبوه از زن و مرد در هم بلولند و با صدای موسیقی و فریاد خوانندگان بالا و پایین بچرند، در صورتی که گاهی در بیخ‌گوش ما همین مجلس گناه به ریاست جناب شیطان تشکیل می‌شود! مثلاً جلسه هیئت یا دعای کامل تمام می‌شود، در گیرودار پذیرایی صحبت از فلان مداح و دارودسته‌اش به میان می‌آید و... سیل گنداب تهمت و غیبت همه نورانیت جلسه را با خود می‌برد...

در هر حال، منظور این نیست که انسان همه فکر و ذکرش گناه‌بایی باشد و مراقب رفتار دیگران، ولی بی‌خیالی و پیروی از مکتب عامیانه «موسی به دین خودش، عیسی به دین خودش!» با فرهنگ اسلام فاصله بسیار زیادی دارد.

ان‌شاءالله همه ما در این آزمایش‌ها که حتماً در پیش روی ما بوده و خواهد بود، سربلند باشیم.

دستمال‌یزدی نیست و اوضاع خیلی بی‌ریخت‌تر از این حرف‌هاست و در این شرایط بالاخره نگاه انسان به افراد می‌افتد و یا در هر حال موسیقی مخصوص این مجالس که یقیناً شنیدنش حرام است به گوش انسان می‌خورد. در این وضعیت پرواضح است که حضور در این جمع حرام است و با نشستن و «استغفرالله» گفتن کار حل نمی‌شود! به قول مرحوم شیخ جعفر مجتهدی: «خدا غیور است!» و نباید در جمعی که گناه می‌شود نشست.

فرار کنیم یا امر به معروف؟

فرض می‌کنیم برنامه به نحوی است که خود ما آلوده به گناه نمی‌شویم، اما نباید فراموش کنیم که یکی از اصلی‌ترین وظایف اجتماعی مسلمان امر به معروف و نهی از منکر است؛ یعنی اگر در شرایطی قرار گرفتیم که عده‌ای دانسته یا ندانسته مشغول گناه هستند، بر ما واجب است که به‌صورت‌های مختلف جلو انجام گناه را بگیریم؛ یعنی نهی از منکر کنیم یا پیشنهاد کار حلال مشایقی را بدهیم، یعنی امر به معروف کنیم! و این وظیفه شرعی با همه ظرافت‌ها و جزئیاتش - که لازم است در یک شماره به‌صورت مستقل به آن پرداخته شود - اولین وظیفه ما در چنین شرایطی است، حتی اگر احتمال بدهیم یا ترک کردن و خارج شدن از جمع یا تهدید، این کار جلو منکر گرفته می‌شود، باید این کار را انجام داد....

ماندن یا نماندن، مسئله این است!

اما اگر شرایط به‌نحوی باشد که امر به معروف هم اثری ندارد، یعنی گفتن و نگفتن یا رفتن و ماندن ما در کار جمع اثری ندارد، در اینجا آیا می‌توان در جمع حضور داشت؟ در این شرایط باید به یک نکته دقیق توجه کنیم که آیا ماندن ما تأیید کار آنان محسوب می‌شود و یا می‌تواند تشویق آنان در ادامه کار باشد یا خیر؟ اگر این‌طور باشد، یقیناً ماندن حرام است و باید جمع را ترک کرد.

در بسیاری از شرایط هم همین‌طور است و اهل معصیت حضور یک بچه مذهبی در کنارشان را نشانه تأیید و درستی کارشان قلمداد می‌کنند... و زیرچشمی طرف را به هم نشان می‌دهند و یا بعدها می‌گویند: فلانی هم در جمع نشسته بود! در هر صورت حتی اگر حضور ما به شکلی موید عادی شدن این گناهان در جامعه هم باشد، نباید به آن تن بدهیم.